

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

ع. شفق  
۱۰ نومبر ۲۰۱۹

## "چشمه صلح" یا آبشار خون!

لشکر کشی ددمنشانه ارتش ضد خلقی ترکیه علیه خلق کرد در خاک سوریه که با مجوز دولت امریکا و در هماهنگی با سایر قدرتهای امپریالیستی ذی نفع به وقوع پیوست، یک بار دیگر چهره زشت و ضد مردمی امپریالیسم را در سطح بین المللی به نمایش گذارد و نشان داد که چگونه در جهان تحت سیطره مشتی از راهزنان بین المللی یعنی امپریالیستها، رهائی کارگران و خلقهای تحت ستم از هیولای جنگ و ویرانی، فقر و گرسنگی و بیکاری و فلاکت و استثمار و سرکوب، به طور شتابناک به گسترش و تعمیق مبارزه برای برافکندن سلطه امپریالیسم و نابودی مناسبات گنبدیده و ارتجاعی سرمایه داری گره خورده است.

از تاریخ ۷ اکتوبر ۲۰۱۹ بلافاصله پس از خروج هدفمند ولی موقتی نیروهای امریکائی از بعضی مناطق تحت کنترل "نیروهای سوریه دمکراتیک"، حمله ارتش ترکیه، این چماق اتحادیه نظامی امپریالیستها به سرکردگی امریکا یعنی ناتو به خاک سوریه آغاز شد. در جریان این یورش نظامی که عوامفریبانه عملیات "چشمه صلح" نام گذاری شده و هدفش به اصطلاح مبارزه با تروریسم اعلام شده بود، حکومت فاشیست اردوخان و تروریستهای داعشی همکار این حکومت، چنان جنایاتی علیه خلق کرد و ساکنین مناطق شمالی سوریه مرتکب شدند که شدت آن تنها با جنایاتی نظیر جنایات صهیونیستهای حاکم بر اسرائیل علیه خلق فلسطین قابل قیاس است. کشتار ساکنین غیر نظامی از طریق توپ باران و بمباران مناطق مسکونی و راه ها و زیر ساختهای منطقه که منجر به بی خانمان و آواره شدن صد ها هزار تن از اهالی شد؛ استفاده از سلاح های نامتعارف نظیر بمبهای فسفری و ریختن آنها بر سر کودکان و زنان، اعدام مردم و نیرو های مدافع کردستان و یا بریدن سر به سبک داعش توسط ارتشیان ترکیه و فلمبرداری و پخش صحنه های شنیع این جنایات برای ایجاد رعب در میان افکار عمومی، همه و همه جلوه هائی از یکی از کثیف ترین سیاستهای ضد انقلابی امپریالیسم امریکا و شرکاء و وابستگانش در منطقه را به نمایش گذاردند. در همین رابطه می توان روی سخنان وزیر دفاع ترکیه "خلوصی آکار" در چهارمین روز تهاجم دقیق شد که از "هماهنگی با واشنگتن" در این "عملیات نظامی" صحبت می کند و یا به سخنان رجب اردوخان، رئیس جمهوری ترکیه توجه نمود که یکی دو روز بعد از اظهارات وزیر دفاع خود از "سیاست مثبت" روسیه در ارتباط با عملیات ارتش ترکیه نام می برد. همه این ها در حالی است که رهبران سازمانهای کرد منطقه از "جنایات شنیع" ارتش ترکیه و مزدورانش علیه "مردم بی دفاع" و "خیانت" امریکا در دوستی با خود زبان به شکایت گشوده اند.

بدون هیچ تردیدی صحنه های نفرت انگیز جنایات ارتش ترکیه و مزدوران شبه داعشی اش علیه خلق کرد، این روزها قلب هر انسان آزاده ای را به درد می آورد و خشم هر فرد آزادیخواه و دارای وجدان را علیه دولت امریکا و شرکایش، روسیه، ترکیه و... بر می انگیزد، علیه نیروهای ضدخلقی که در میان تمام تضادها و پیچیدگی های موجود، دست در دست یک دیگر به توطئه علیه جنبش آزادیخواهان توده های تحت ستم این منطقه و سلاخی آنها به ویژه خلق دلاور کرد سوریه پرداخته اند. شکی نیست که هدف همه این نیروهای ضد مردمی سرکوب انقلاب و هر گونه جنبش انقلابی توده ها علیه منافع امپریالیسم و نظام سرمایه داری و حفظ شرایط استثمار و غارتگری می باشد.

رسوای آن که، جنایات کثیف و برنامه ریزی شده اخیر توسط امپریالیستها و وابستگانشان، علاوه بر مردم بی دفاع منطقه، موجودیت احزاب و نیروهای را هم نشانه گرفت که در سالهای اخیر در همکاری با دولت امریکا تا آنجا پیش رفتند که نقش پیاده نظام ارتش امریکا در سوریه را هم به عهده گرفتند. یعنی در شرایطی که سیاست های جنگ طلبانه امپریالیسم امریکا پس از ناکامی هائی در سوریه و انجام توافقاتی با روسیه، بر تضعیف داعش و باز پس گیری نقشی که بر گرده این نیروی وحشی گذاشته شده بود، قرار گرفت، با دادن هزاران کشته و مجروح در میادین جنگ، سیاست آن مقطع امریکا و سایر قدرتهای امپریالیستی علیه داعش را متحقق کردند. درست با ایفای نقش پیاده نظام ارتش امریکا توسط این احزاب و نیروها در سوریه بود که ترمپ با کبکبه و دبدبه در انظار رقبای اروپائی اش از تلاش های بزرگ خود برای "پیروزی" امریکا در جنگ با داعش سخن گفت و در افکار عمومی مردم امریکا اعلام کرد که چگونه امریکا به کمک کردها که آنها را "جنگاوران معرکه" و "متحان کلیدی" خود می خواند موفق به شکست داعش شده است.

اکنون، رهبران احزاب و نیروهای نامبرده در عکس العمل نسبت به آبشار خونی که زیر نام "چشمه صلح" از تن توده های محروم خلق کرد در شمال سوریه به راه افتاده چه می کنند؟ آنها که پیشاپیش با عقد اتحاد با امپریالیسم امریکا خود را در موقعیت بسیار شکننده ای قرار داده بودند، امروز در عمل به هر شرط خفت باری که مقامات امریکائی برایشان می گذارند تن در می دهند. اگر چه در حرف از طریق بلند گویای محدود خود از دشمنان قسم خورده خلق کرد (امپریالیسم امریکا) دست به شکایت برده و از زبان فرمانده کل نیروهای "۷۰ هزار نفری" موسوم به "نیروهای دمکراتیک سوریه" یعنی جنرال مظلوم کوبانی مطرح می کنند که "بر اساس تعهدات دولت امریکا با ما قرار بود که ترکیه هیچ گاه ما را مورد حمله قرار ندهد" در حالی که "اکنون ما با سینه های برهنه در مقابل چاقوهای ترکیه قرار گرفته ایم". مظلوم کوبانی می گوید که همواره به "نیروهای توصیه کرده که نیروهای امریکائی و دیگر نیروهای ائتلاف، شرکای ما هستند" و اضافه می کند که "با امریکائی ها دست دادیم و حمایت سخاوتمندانه آنها را ارج نهادیم. به درخواست و اشنگتن، ما موافقت کردیم که اسلحه های سنگین خودمان را از مناطق مرزی با سوریه کنار کشیده، استحکامات دفاعیمان را خراب کنیم و رزمندگان با تجربه ما عقب نشستند." و می پرسد با وجود این امریکا چرا به تعهدش به ما عمل نکرد.

نکته قابل تأکید دیگر این است که علی رغم همه دسیسه های دولت امریکا علیه مردم کرد سوریه، سخنگوی نیروهای دمکراتیک سوری مطرح می کند که همچنان عملکرد یا به واقع دسیسه "پرزدینت دونالد ترمپ در بیرون کشیدن نیروهای امریکائی را درک و با آن همدردی" می کند! (نشریه فارین پالیسی). در چنین شرایطی ست که رویدادهای جاری در سوریه، به بستری تبدیل شده اند که هر ناظر آگاه می تواند با بررسی آنها قبل از هر چیز چهره ضد خلقی امپریالیسم امریکا و وابستگان رنگارنگشان را مشاهده کند که در رقابت و تبانی با دیگر

امپریالیستها برای نمونه روسیه چگونه در طول سالها با سرکوب جنبش ضد امپریالیستی و دمکراتیک در سوریه و به راه انداختن جنگهای نیابتی و ضد انقلابی، حیات و هستی خلقهای تحت ستم این کشور را لگد مال کرده اند. حوادث سوریه همچنین به طور انکار ناپذیری منعکس کننده درجه فداکاری و پایداری و رزمندگی توده های تحت ستم این کشور و به ویژه خلق کرد نیز می باشد که در مسیر مبارزه برای رسیدن به رفاه و شرایط دمکراتیک و کسب حق تعیین سرنوشت مجبور به مبارزه همزمان با چندین نیروی اهریمنی و دشمنانی در لباس های مختلف هستند، خلقی که از جان و مال و هستی خویش برای نیل به یک شرایط دمکراتیک و زندگی انسانی مایه گذارده است. اما این لاپوشانی حقیقت خواهد بود اگر اذعان نشود که حوادث دردناک جاری در سوریه، همچنین عمق نتایج فاجعه بار ناشی از بن بست سیاستهای سازشکارانه و رفرمیستی حاکم بر نیروها و احزاب ناسیونالیست مدعی رهبری جنبش خلق کرد این کشور را نیز به نمایش گذارده اند. احزاب و نیروهائی که از فداکاریها و مبارزات تحسین برانگیز خلق کرد در مبارزه علیه نیروهای امپریالیستی و رژیمهای وابسته و گروه های مزدور رنگارنگ، سرمایه ای برای تجارت با استثماریگران و تاجران مرگ و نیستی ساخته اند و با توهم کسب قدرت و حفظ موقعیت از طریق اتکاء به نیروهای اهریمنی، سرنوشت خود و خلقهای منطقه را به سیاستهای ضد مردمی امریکا و سایر قدرتهای امپریالیستی گره زده اند که نه تنها در ذاتشان کمترین عنصر دمکراتیک و مردمی وجود ندارد بلکه سیاست های آنها علیه خلق کرد بوده و خود اساساً دشمن این خلق می باشند. امروز رویدادهای سوریه نقاب از چهره منادیان این سیاستها نیز بر کشیده و بن بست سازشکاری، سیاستهای پرو امپریالیستی و ناسیونالیسم تنگ نظر را در مقابل مردم به عینه به نمایش گذارده است. برای این که بتوان این واقعیت را با شفافیت هرچه بیشتری درک نمود باید کمی به عقب برگردیم.

همه می دانند که مدت کوتاهی پس از خیزش قهرمانانه توده های تحت ستم سوریه با شعار محوری "مرگ بر نظام" (اسقاط النظام) و خواست آزادی علیه رژیم وابسته به امپریالیسم اسد و اربابان بین المللی اش در سال ۲۰۱۱، این کشور در متن تضادهای امپریالیستی بین قدرتهای جهانخوار، با دخالت امپریالیستها به ویژه امریکا به منظور سرکوب انقلاب توده ها و توسعه سلطه امپریالیستی خود در سوریه، به یکی از عرصه های کشمکش مستقیم و تضادهای امپریالیستی بدل شد.

دولت امریکا در چارچوب سیاست تعرضی خود در منطقه، ضمن ایجاد شکاف در ارتش ضد خلقی سوریه و ایجاد یک نیروی سرکوبگر به نام "ارتش آزاد" و سپس تجزیه آن در قالب چندین دار و دسته مزدور اسلامی دیگر نظیر النصره و داعش و ... نه تنها موفق شد تا در آن مقطع، انقلاب توده های سوریه را سرکوب نموده و به حاشیه براند، بلکه با به راه انداختن یک جنگ نیابتی کوشید تا مواضع و منافع یکی از رقبای خود یعنی دولت روسیه را در این منطقه زیر فشار قرار دهد؛ و کوشید با تغییر رژیم اسد و الغای توافقات نظامی این دولت با روسیه، حضور نیروی بحری ارتش روسیه در بندر لاذقیه را باطل و به این ترتیب تنها راه دسترسی نیروی بحری روسیه به آبهای بین المللی در بندر لاذقیه را مسدود سازد. بدون شک این سیاست نمی توانست با مقاومت شدید دولت روسیه و تلاش آن برای حفظ به هر قیمت رژیم جنایتکار اسد مواجه نگردد. در نتیجه شعله های آتش جنگی ویرانگر بین این دو قدرت تمام سوریه را فرا گرفت و مجموعه ای از دولتهای وابسته نظیر جمهوری اسلامی، عربستان، قطر، ترکیه به همراه ده ها هزار مزدور سوری و خارجی سازماندهی شده در گروه های سیا ساخته و پنتاگون ساخته (با نقش هائی که به هر یک از آنها واگذار شده بود) به جان مردم تحت ستم سوریه افتادند. در چنین شرایطی بود که نیروها و احزاب کرد سوریه در نتیجه ضعف دولت مرکزی و خروج آگاهانه نیرو های دولتی از این منطقه موفق به کنترل

چند استان و گسترش نفوذ خود در منطقه شدند. با شرکت فعال توده هائی که برای آزادی و حق تعیین سرنوشت خویش به پا خاسته و مسلح بودند، این نیروهای سیاسی، سیستمی مبتنی بر نوعی خود مدیریتی در کانتونها - که به رغم محدودیت‌های بسیار دمکراتیک تر از مناسبات ارتجاعی و سرکوبگرانه دولت سوریه بود- را کمابیش در این منطقه حکمفرما کردند. بدون شک چنین وضعیتی نمی توانست با منافع قدرتهای استعمارگر و امپریالیست منطبق باشد؛ در نتیجه امریکا و وابستگانش با گسیل نیروهای مزدور خود از داعش گرفته تا ارتش به اصطلاح آزاد و النصره و ... و کمک های نظامی و لجستیک ترکیه، از چند جبهه به توده های خلق کرد و مناطق و شهرهای تحت نفوذ آنان یورش برده و با قتل عام مردم و نابود کردن خانه و کاشانه و زیر ساختهای منطقه کوشیدند تا در جهت اشغال منطقه و تشدید فشار علیه مواضع دولت روسیه، خلق کرد را سلاخی نموده و تلاشهایش برای ساخت یک سیستم مستقل از نظام حاکم را در نطفه خفه و سرکوب کنند اما همانطور که جهانیان شاهد بودند، در این مقطع، توده های دلاور خلق کرد که از پیر و جوان و زن و مرد و کودک مسلح شده بودند، در یک مقاومت حماسی که به ویژه در نبرد کوبانی تجلی یافت، پوزة امپریالیسم و وابستگانش و در رأس آنها داعش را به خاک مالیدند و این برنامه ضد خلقی آنها را به شکل مفتضحانه ای شکست دادند. این مبارزه و مقاومت حماسی خلق کرد نقطه عطفی را در توازن قوای بین انقلاب و ضد انقلاب ایجاد کرد.

در چنین اوضاعی که تضادهای درونی هیأت حاکمه امریکا نیر تشدید شده بود، دولت ترمپ به چرخشی ظاهری در سیاست پیشین دست زد و کوشید با مذاکره و به خدمت گرفتن نیروهای مدعی رهبری خلق کرد یعنی "نیروهای سوریه دمکراتیک" و به ویژه نیروی موسوم به "قطعات مدافع خلق" آنها را به پیاده نظام ارتش امریکا تبدیل نماید. با سازش و تمکین نیروهای مذکور، وقتی سیاست امپریالیسم امریکا به جمع آوری بساط داعش مزدور در برخی مناطق سوریه قرار گرفت با کمک و خون مردم کردستان سوریه این امر را به انجام رساند و با حرارت تمام "پیروزی" امریکا در مبارزه با "خلافت داعش" را در همه جا فریاد زد. به واقع، احزاب و نیروهای نامبرده در دو سه سال اخیر، پروژه امپریالیستی علیه داعش در کردستان سوریه را به بهای خون ۱۱ هزار جنگجوی کرد و ۲۰ هزار زخمی از میان نیروها و توده های مسلح، به عنوان نیروی پیاده نظام ارتش امریکا پیش بردند. با این حال همچنان که دیدیم با پایان کار داعش مزدور و پس از توافقات امریکا و روسیه، همین نیروهای کرد به اولین قربانیان سیاست های امپریالیستی بدل گشتند.

به برکت همین سیاستهاست که اکنون این احزاب و نیروها در موقعیتی قرار گرفته اند که یا باید با اتکاء به قدرت توده های دلاور و اعتقاد به نیروی آنها خود را برای یک نبرد سرنوشت ساز و تاریخی با هدف متعالی پیشرفت تاریخ آماده کنند و بهای گزاف آن را نیز بپردازند و یا به تدریج ولی در کمال رسوائی، در مرداب سیاستهای امپریالیستی فرو رفته و ننگ ارتجاع و تبدیل شدن به دار و دسته های وابسته و جدا از توده و زانده ماشین جنگی امریکا و دیگر امپریالیستها شدن را به جان بخرند. در دنیای واقعی راه میانه ای برای آنها وجود نداشته و ندارد. نگاهی به مواضع رهبران این نیروها از زمان آغاز این بحران نشان می دهد که آنها مصممانه، در مسیر راه دوم گام می زنند. به همین خاطر است که اکنون رهبران این احزاب به طور تأسف باری در حالی که توده ها گرفتار محاصره ارتش ترکیه و مزدورانش هستند، همچنان به گدائی "همکاری" با دولت ترمپ در راهروهای قدرت و تلاش برای نصیحت و بر سر "عقل" آوردن دولت امریکا که توافقات خود با کردها را "فراموش" نکند، مشغولند. آنهم در حالی که ترمپ در مقابل موج انتقادات برخی محافل هیأت حاکمه و نفرت عمومی که علیه او و دولتش به وجود آمده با بی شرمی تمام در توجیه هماهنگی و دادن اجازه به رژیم ترکیه برای حمله به خلق کرد سوریه گفت

"قرار نیست به یک جنگ دیگر، یک "جنگ مسخره" بین افرادی که دویست سال است با هم می‌جنگند، وارد شویم."

اما برای تمامی مردم تحت ستم و برای نیروهای مبارز و انقلابی منطقه که با بیم و امید و حساسیت، همواره از حقوق بحق مردم کرد و غیر کرد سوریه در مبارزه با امپریالیستها و وابستگانشان به منظور رسیدن به آزادی و حق تعیین سرنوشت دفاع کرده اند، این سؤال طبیعی مطرح است که آیا چنین مواضعی، واقعی ترین سیاستی بود که می توانست توسط احزاب مدعی "رهبری" این جنبش اتخاذ شود؟ تازه، نیروهای کرد از ماه ها قبل و در واقع از دسمبر سال ۲۰۱۸ می دانستند که امریکا در صدد بیرون کشیدن نیروهایش از مناطق تحت نفوذ آنها و صدور مجوز به ترکیه برای اشغال این منطقه و ایجاد منطقه حائل می باشد. این در زمانی بود که "جیمز جفری" رئیس تیم ویژه ترامپ در مورد سوریه در تاریخ ۱۷ دسمبر در کنفرانس شورای آتلانتیک گفته بود که "امریکا نمی تواند اتحاد خود با نیروهای غیر دولتی از جمله کردهای سوریه را برای همیشه ادامه دهد." و یکی دیگر از مقامات وزارت خارجه امریکا نیز به مخالفان بشار اسد اطلاع داده بود که: "رئیس جمهور از ماه دسمبر به طور صریح اعلام کرده بود که نیروهای امریکائی به تدریج از سوریه خارج می شوند." و اضافه کرده بود که "تیم ویژه رئیس جمهور با همکاری وزارت دفاع در حال برنامه ریزی برای عقب نشینی نیروهای امریکائی مطابق با یک جدول زمان بندی شده بوده اند. ما همچنین به همکاری با شرکای خود برای جلوگیری از احیای مجدد گروه تروریستی داعش ادامه می دهیم. البته من نمی توانم در مورد جزئیات تعاملات دیپلماتیک امریکا با کشورهای دیگر صحبت کنم."

<https://www.entekhab.ir/fa/news/509093/>

با چنین آگاهی آیا رسیدن به این نقطه از توازن نیرو و اجتناب ناپذیر بود؟ آیا از دست دادن بدون مقاومت چند هزار کیلومتر مربع از سرزمین هائی که برای سالها با خون توده های فداکار خلق کرد و رزمندگان مسلحش در مقابل تعرضات حکومت اسد و اردوخان و دار و دسته های مزدور اسلامی صیانت شده بود و سپردن آن به ارتش ترکیه که دشمنی اش با خلق کرد بر همگان آشکار است آنها در جریان توافق بین قدرتهای ضد خلقی، یک سرنوشت طبیعی و اجتناب ناپذیر برای خلق کرد سوریه بود؟

بی شک پاسخ واقعی و فارغ از پیشداوری به سؤالات فوق با رویدادهائی که از دخالت امریکا در سوریه آغاز شد مربوط است. چرا که وضعیت امروز حاصل روندهای دیروز می باشد. در اینجا است که باید سؤال کرد که آیا در مقابل نیروهای مدعی رهبری خلق کرد در این منطقه تنها آلترناتیو سازش با امریکا و تبدیل به پیاده نظام ارتش این کشور قرار داشت؟ آیا اگر آنها تنگ نظری ناسیونالیستی نداشتند نمی بایست به جای کوبیدن بر طبل ناسیونالیسم کرد و غرق شدن در توهم کسب قدرت (آنها از طریق سازش با امریکا به مثابه یکی از جنایتکارترین و مکارترین امپریالیستها)، کردستان را به پایگاهی برای بسیج و سازماندهی دیگر توده های تحت ستم سوریه برای مبارزه علیه دشمنانشان تبدیل نمایند؟ آیا نمی بایست بر نیروی خلقهای سوریه اعم از کرد و عرب و غیره تکیه کنند؟ اما دیدیم که مدعیان رهبری خلق کرد یعنی "نیروهای سوریه دمکراتیک" راهی را انتخاب کردند که امروز نتایج فاجعه بارش را شاهدیم.

بمباران و کشتار ددمنشانۀ صد ها تن از مردم ستمدیده منطقه و آواره و بی خانمان کردن بخشی از مردم کردستان سوریه پس از ناستواری هم پیمانان امپریالیست احزاب کرد که در جریان حملات چند روز اول ارتش ترکیه و مزدورانش روی داد، عمق فاجعه بود. در این حال، دولت امریکا در میان نفرت عمومی مردم جهان، بیشرمانه

مدعی شد که "جنگ کردها" جنگ امریکا نیست و با بلاهت تمام به کردها انتقاد کرد که چرا در جریان جنگ جهانی به امریکا کمک نکرده اند! او سپس عوامفریبانه زیر نام برقراری صلح و آتش بس، معاون خود را برای مذاکره با اردوخان (رئیس جمهور ترکیه) به ترکیه فرستاد و با عقد یک توافق ننگین دیگر در واقع ضربه بزرگتری را به "هم پیمانان" ناسیونالیست و سازشکار خویش وارد نمود. در این توافق، دولت امریکا ضمن تأکید بر حمایت از "متحد ناتوی" خود یعنی دولت ترکیه و ارتش ضد خلقی این کشور با شعار "همه برای یکی، یکی برای همه" با تأیید نقشه های ضد انقلابی ارتش ترکیه برای ایجاد یک منطقه امن امنیتی به طول ۳۰ کیلومتر در داخل خاک سوریه به اخراج نیروهای مسلح احزاب کرد از شهر ها و روستاهای این منطقه رسمیت بخشید. همچنین در حالی که بر "درک خلل ناپذیر از اصل" یکی برای همه و همه برای یکی" در این قرارداد تأکید نمود بر "عملیات مبارزه با تروریسم" و تسلط ترکیه بر منطقه ای به عمق "۳۰ کیلومتری" تا داخل خاک سوریه مهر تأیید زد و "برای رفع نگرانی های امنیتی ترکیه" بر "جمع آوری مجدد سلاح های سنگین ی. پ. گ و از کاراندازی استحکامات و دیگر مواضع رزمی آنها" متعهد گشت. در این توافق نامه، امریکا تأیید می کند که هیچ "تحریم" دیگری را علیه ترکیه اعمال نکرده و تحریمهای نمادین چند روزه قبل را نیز "ملغی" می سازد. این توافقات در حالی ست که بنا به گفته منابع احزاب کرد، عملیات "چشمه صلح" ترکیه و مزدورانش حتی پس از "آتش بس" ادعائی علیه مردم بی دفاع کرد و نیرو های مسلح این سازمانها ادامه یافت و در واقع آتش بس مزبور جلوی تداوم قتل عام توده های تحت ستم کردستان را خلاف انتظار و ادعای رهبران "نیروهای دمکراتیک سوریه" نگرفت. به این ترتیب صد ها هزار آواره و صد ها کشته و زخمی و سرانجام تسلیم محض نیروی نظامی احزاب کرد در مقابل نقشه های ضد انقلابی امپریالیستها و دولت ترکیه تنها دستاورد سیاست دوستی با امریکا بود. با این حال، احزابی که به رغم مشاهده "خنجری" که به قول خودشان امریکا از "پشت" به توده های خلق کرد زده است حتی با وجود آشکار شدن نتایج مخرب و ضد خلقی "دوستی" و "همکاری" با امریکا و چشم به کمک های وی داشتن این نیروها، هنوز هم از امریکا و دولت ترمپ به مثابه "پاسبان" نظم و امنیت جهانی نام برده و می خواهند که به جای خنجری که بر قلب مجروح توده های تحت ستم خلق کرد وارد کرده به قول های خود در مورد تأمین امنیت کردها و خالی نکردن "پشت" مردم کرد وفادار باشد! و همچنان با ندبه و زاری منتظر "همکاری" امریکا و تغییر "سیاست" این بزرگترین جنایتکار جهانی هستند.

پس از عقد قرارداد بین امریکا و ترکیه مبنی بر خروج بی قید و شرط نیروهای سوریه دمکراتیک از مناطق کردستان، رهبران این احزاب با دعوت از ارتش سوریه و روسیه به دیگر مناطق تحت نفوذ خود، می پنداشتند که با استفاده از "تضادهای" نیروهای درگیر شاید بتوانند جلوی تداوم جنایات ارتش ترکیه و مزدورانش در قتل عام مردم کرد را گرفته و همچنین مناطق خود را حفظ و امتیازاتی را کسب کنند. غافل از این که قرار گرفتن در چنین مسیری، بخش دوم برنامه ضد انقلابی دشمنان خلق کرد برای تضعیف و سرکوب جنبش توده های محروم بود. چرا که پس از ورود نیروهای ارتش سوریه و نیروهای روسی به این مناطق، خبر از عقد قرارداد موسوم به "سوچی" اینبار بین روسیه و ترکیه رسید. در این قرارداد نیز که مکمل قرارداد امریکا و ترکیه علیه منافع خلق کرد است، دولت روسیه ضمن تأیید ادعاهای دولت تروریست اردوخان در تروریست خواندن نیروهای دمکراتیک سوریه، مطرح می کند که روسیه و ترکیه "به اراده خود" برای "مبارزه با هرگونه تروریسم و اقدامات تروریستی" (بخوان علیه مبارزه مسلحانه خلق کرد برای دفاع از خانه خود و نیل به آزادی) و "بی اثر کردن اقدامات برای جدائی طلبی"، تأکید می کنند. و توافق می شود که "نیروهای پولیس و ارتش روسیه به همراه نیروهای سوریه به منظور

خارج کردن نیروهای YPG و سلاح های این گروه به عمق ۳۰ کیلومتری از مرزهای ترکیه از مناطق بیرونی حوزه عملیات "چشمه صلح" اقدام خواهند کرد. این اقدامات در ۱۵۰ ساعت به اتمام خواهد رسید " و تمامی عناصر YPG به همراه سلاح های خود از منبج و تل رفعت خارج خواهند شد.

این مختصری از رؤس تحولات مهم در کردستان سوریه و نمایش غم انگیزی از نتایج فاجعه بار دوستی و اطمینان رهبری نیروهای سازشکار کرد سوریه با امپریالیست‌هاست که خلق کرد سوریه و احزاب مدعی رهبری آن را در چنین موقعیت دردناکی قرار داده است. سیصد هزار آواره و بی خانمان، احزابی که قدم به قدم با پیروی از سیاست امپریالیست‌ها به ویژه امریکا و با پیوند زدن سرنوشت مبارزات مردمی به سیاست‌های این قدرت جنایتکار بین المللی عملاً بخشی از منطقه فعالیت خود را از دست داده اند. همکاری در رکاب امریکا از احزاب کرد یک نیروی به لحاظ نظامی ضعیف شده و رسوا ساخت که به دلیل ماهیت طبقاتی خود و ناسیونالیسم شان نه می خواهند و نه می توانند از چنبره ایجاد شده برای خود بگسلند. جنگ در سوریه به طور اسفناکی پرده از چهره این نیروهای مدعی رهبری و سیاست های مماشات جویانه و نهایتاً پرو امپریالیستی زوده است.

مقاومت و پایداری خلق کرد سوریه در سالهای اخیر و به ویژه مبارزه با داعش و در کنار آن مشاهده سیاست‌های مفتضحانه مدعیان رهبری این جنبش در اعتماد و نزدیکی به امپریالیست‌ها می تواند درسهای ارزشمندی برای آینده مبارزات این خلق و همچنین خلق‌های تحت ستم منطقه داشته باشد. به رغم اینها متأسفانه ما شاهدیم که در کوران به تسلیم محض کشاندن احزاب و نیروهای سازشکار و به زانو درآوردن جنبش خلق کرد سوریه، برخی از افراد و نیروها و به ویژه نیروهای ناسیونالیست و سازشکار ایرانی به دلیل منافع و خواستگاه های طبقاتی شان به جای درس گرفتن از جنگ سوریه، در جریان بررسی و توضیح رویدادهای سوریه به سلاخی حقیقت می پردازند و با گرفتن ظاهری دلسوزانه برای نیروهای کرد سوریه تنها بخشی از واقعیت را به مردم می گویند و اینطور جلوه می دهند که گویا نیل به چنین موقعیتی اجتناب ناپذیر بود و امروز نیز فقط باید روی جنایات ارتش ترکیه متمرکز شد و نباید احزاب و نیروهای مدعی رهبری جنبش خلق کرد سوریه را با انتقاد از سیاست‌های سازشکارانه و فاجعه بارشان زیر "فشار" گذارد. این نیروها با چنین "تحلیل هائی" اولاً نشان می دهند که در تفکرات و اعمالشان به طور شدیدی نسبت به ماهیت امپریالیسم و نظام سرمایه داری متوهمند و هنوز از این نیروی ارتجاعی و میرای تاریخی، خواهان "بشر دوستی" و "دمکراسی" بوده و به رغم هر ادعائی، برای آن ماهیت مترقی و قابل اصلاح قائلند. در حالی که برای نیروهای واقعاً کمونیست و آزادیخواه مثل روز روشن بود و هست که دولت نژاد پرست و ضد خلقی ترمپ و همکارانش در هیأت حاکمه امپریالیسم امریکا قرار نبود کاری به غیر از آنچه که علیه خلق کرد سوریه انجام دادند در جهت تحقق منافع طبقاتی خویش انجام دهند. آیا سیاست‌های امپریالیسم امریکا و روسیه و ... در افغانستان، عراق و به ویژه در جلوی چشمان همین "کارشناسان" در کردستان عراق نشان نداد که ماهیت امریکا به عنوان بزرگترین نیروی ضد خلقی و اهریمنی دنیا، سرکوب انقلاب و سرکوب هر گونه جنبش توده ئی که از کمترین خصلت مترقی و ضد امپریالیستی و ضد نظام وحشیانه سرمایه داری برخوردار است، می باشد؟

هر فرد نسبتاً آگاه به رویدادهای جاری بروشنی می داند که جنایات انجام شده در بحران سوریه علیه خلق کرد با یک برنامه هدفمند از سوی دولت امریکا و در هماهنگی با روسیه و سایر مرتجعان منطقه انجام گرفت و در واقع دولت ترمپ خلاف تمام وعده های داده شده، در نقطه ای حساس، افسار سگ هار خود یعنی رژیم اردوخان را رها و در همان حال "سنگ" یعنی نیروهای مسلح احزاب کرد که می بایست در مقابل این هجوم بایستند را نیز با توافق گام به گام و رضایت خود آنان بست. رهبری "نیروهای دمکراتیک سوریه" و در مرکز آنها "ی پ گ" در جلوی



چشم همگان جنبش خلق کرد سوریه و دستاوردهای ارزشمند آن را دودستی تقدیم امپریالیستها و دشمنان این خلق کردند. اما نیروهای ناسیونالیست و سازشکار ایرانی با اشک و ناله، ضمن پشتیبانی تام و تمام از "رهبری" نیروهای موسوم به "نیروهای دمکراتیک سوریه" و به ویژه سازمانهای مدعی رهبری خلق کرد سوریه، تنها با اشاره به بخشی از واقعیت، به قلب حقیقت می پردازند. آنها با تقدیس "ناسیونالیسم" و نیروهای مدعی رهبری خلق کرد سوریه، این سیاستهای ضد مردمی را مستقیم و غیر مستقیم تأیید می کنند و با این کار و صرف نظر از نمایش سازشکاری و ماهیت خرده بورژوائی خود، توده های تحت ستم و مبارزان جویای حقیقت را از درس گیری از تاریخ خود باز می دارند و نمی گذارند تا آنها از چنین اشتباهات فاحش و فاجعه باری برای آینده درس بگیرند. اما خلاف این نیروها، کمونیستها مجبور اند که در همه حال واقعیت را به مردم بگویند.

در جمع بندی باید گفته شود که شرایط دردناکی که در این روزها بر توده های تحت ستم سوریه و خلق کرد این کشور حاکم شده شرایطی است که به هیچ وجه نه اجتناب ناپذیر بود و نه غیر قابل پیش بینی. شکی نیست که این شرایط نتیجه مستقیم سیاست های ارتجاعی و ضد انقلابی امپریالیستهای ذی نفع در این کشور می باشد که بر بستر سازشکاری و سیاستهای پرو امپریالیستی رهبران با بار هر چه مخرب تر و وحشتناکتری بر دوش توده ها خراب می شود.

در نتیجه تمامی نیروهای مبارزو انقلابی در منطقه و سراسر جهان باید با هر آنچه که در توان دارند سیاستهای تجاوزگرانه ضد خلقی و ضد انقلابی امپریالیستها و سگان زنجیریشان نظیر ترکیه علیه خلق کرد و عرب سوریه را محکوم کرده و علیه آن به هر شکلی که می توانند مبارزه کنند. جنگ جاری علیه خلق کرد نشان می دهد که گره زدن سرنوشت نیروها و احزاب مدعی مبارزه در صف خلق در هر شرایطی و با هر بهانه ای به سیاستهای امپریالیستها، نتیجه ای جز رسوائی و شکست و ضربه به توده ها در بر نخواهد داشت؛ نشان می دهد که مضرات تبدیل شدن نیروهای مسلح توده ئی به پیاده نظام ارتش های امپریالیستی چقدر دهشتناک و زیان بار است و نشان می دهد که اتکاء به قدرتهای جهانخوار و وعده های آنها به جای سیاست اتکاء به قدرت توده ها تنها به بن بست ختم خواهد شد. جنگ سوریه ماسکها را کنار زده و بن بست ستراتیژی های تنگ نظرانه و مضر ناسیونالیستهای که به جای توده ها به امپریالیسم متکی می شوند را یک بار دیگر به نمایش گذارد.

مسلماً، توده های آگاه و رزمنده کردستان با تداوم مبارزات خود اجازه نخواهند داد که امپریالیستها و سگان زنجیریشان به آرزوی اهریمنی خویش در تحقق اهداف ضد مردمی شان یعنی سرکوب و به تسلیم کشاندن خلق کرد سوریه برسند. اما آیا این رویدادها درس عبرتی برای نیروهای سازشکار درون صف خلق در ایران خواهد شد که با وجود آن که فاقد وزن و قدرت احزاب هم جنس خود در کردستان سوریه می باشند، در سالهای اخیر با تلاش برای نزدیکی به امپریالیستها به طور مضحکی به گام زدن در آغاز راه فاجعه باری پرداخته اند که نیروهای "برادر" و هم جنس آنها در سوریه در مراحل پایانی آن گام می زنند؟ برای هر نگاه خیره و کنکاش گر، جنگ جاری در سوریه ماسک این نیروهای ایرانی را نیز به کنار زده است و نشان داده که برای رسیدن به آزادی تنها باید به نیروی توده ها تکیه کرد.